

بررسی انتقادی گفتمان باراک اوباما در زمینه موضوع هسته‌ای ایران طی هشت سال دوره ریاست جمهوری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۹

سید عبدالحمید میرحسینی^{۱*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۴

چکیده

گفتمان سیاسی نقش عمده‌ای در جهت‌دهی افکار دارد و نقش‌آفرینی گفتمانی در امور سیاسی در کنار تصمیمات عمده سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی قرار می‌گیرد. از همین رو، مقاله حاضر برای تبیین برخی ابعاد گفتمانی موضوع هسته‌ای به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به ایران در سطح بین‌المللی، به بررسی تصویر گفتمانی ارائه شده در سخنان باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا درباره این موضوع طی دو دوره ریاست جمهوری می‌پردازد. مجموعه‌ای از ۳۷۷ سخنرانی اوباما طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ بر مبنای دیدگاه ون دایک درباره "مطالعات انتقادی گفتمان" با به‌کارگیری ترکیبی از جستجوی واژگانی و چند مرحله‌کدگذاری کیفی مورد مطالعه قرار گرفت که حاصل آن استخراج تصویری گفتمانی متشکل از هفت مقوله اصلی بود: تهدید هسته‌ای ایران؛ جدیت آمریکا برای مقابله؛ ترجیح راه‌حل صلح‌آمیز؛ استفاده از همه گزینه‌ها؛ همراهی جهانیان با آمریکا؛ پاسخ به فشارهای داخلی؛ و دستاورد توافق هسته‌ای. این مقولات نشان‌گر وجود طرحی مستتر در سخنان اوباما برای همراه‌سازی مخاطبان با تصمیمات و اقدامات سیاسی، اقتصادی، و نظامی آمریکا است. آگاهی انتقادی مخاطبان نسبت به این نوع تصاویر گفتمانی می‌تواند به ارزیابی آگاهانه از جریان‌ات گفتمانی منجر شود و از مطالعات انتقادی گفتمان می‌توان برای ایجاد این آگاهی بهره برد.

واژگان کلیدی: مطالعات انتقادی گفتمان؛ تحلیل گفتمان سیاسی؛ سخنرانی‌های اوباما؛ موضوع هسته‌ای ایران.

مقدمه

فضای گفتگمانی دربرگیرنده هر موضوع نقشی بنیادین در شکل‌دهی دیدگاه‌ها و تصورات افراد نسبت به آن دارد و از این طریق در جهت‌دهی تصمیمات مربوط به آن موضوع و شکل‌دهی آن در عمل نیز مؤثر واقع می‌شود (ون دایک^۱، ۲۰۰۹، ۲۰۱۲). این امر به طور خاص در زمینه مسائل سیاسی قابل توجه است؛ زیرا گفتمان مربوط به موضوعات سیاسی معمولاً به واسطه توجه عمومی به سیاستمداران و از طریق رسانه‌ها بازتاب‌های وسیعی پیدا می‌کند. گفتمان سیاستمداران و به طور کلی فضای گفتمان سیاسی تأثیری غیرقابل‌انکار در نگرش عمومی، شناخت اجتماعی، و تمایلات ایدئولوژیک دارد (ووداک^۲، ۲۰۱۲). به همین دلیل، نقش آفرینی گفتمانی در امور سیاسی از طریق جهت‌دهی افکار عمومی، در کنار تصمیم‌گیری‌های عمده سیاسی، برنامه‌های کلان اقتصادی و حتی اقدامات نظامی قرار می‌گیرد (کپ^۳، ۲۰۰۲؛ نیاگو^۴، ۲۰۱۳).

در ساخت کلی گفتمان سیاسی به خصوص در سطح بین‌المللی مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های گفتمانی در کنارهم قرار می‌گیرند. اما در این میان گفته‌های سیاستمداران و سران کشورهای تأثیرگذار در امور بین‌المللی و به‌ویژه سخنرانی‌های رسمی آنها جایگاه مهمی دارد. از این رو، مقاله حاضر برای بررسی و روشن شدن بیشتر یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی بین‌المللی مربوط به ایران در سال‌های اخیر، به تبیین بخش مهمی از فضای گفتمانی مربوط به آن می‌پردازد؛ که عبارت است از گفتمان باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا به عنوان یکی از بازیگران عمده بین‌المللی در موضوع هسته‌ای ایران. به طور مشخص مسأله اصلی مورد بررسی در این پژوهش عبارت است از این‌که: موضوع هسته‌ای ایران در گفتمان سیاسی باراک اوباما طی هشت سال دوره ریاست‌جمهوری او به چه صورت منعکس شده است و تصویر گفتمانی ارائه شده توسط وی از این موضوع دارای چه ابعدی است؟

برای پرداختن به این موضوع مجموعه‌ای از سخنرانی‌های رسمی اوباما در دو دوره ریاست‌جمهوری با رویکردی مبتنی بر تحلیل انتقادی گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. صرف‌نظر از جزئیات دیدگاه‌های مختلف نسبت به موضوع گفتمان و بررسی انتقادی گفتمان، در مجموع این

.....
1 . Van Dijk
2 . Wodak
3 . Cap
4 . Neagu

توافق بین صاحب‌نظران این حیطه وجود دارد که این نوع رویکردها می‌توانند؛ ابعاد مهمی از جهت‌دهی دیدگاه‌ها و افکار را نسبت به موضوعات مختلف آشکار کنند؛ به این ترتیب، در آگاهی‌بخشی به کسانی که در فضاهای گفتمانی غوطه‌ور می‌شوند نقش داشته باشد (فرکلاف، ۲۰۱۲؛ ون دایک، ۲۰۰۴، ۲۰۱۲؛ ووداک، ۲۰۱۳؛ هارت^۱ و کپ، ۲۰۱۴). بر این اساس، مطالعه حاضر به بررسی موضوع مورد نظر بر اساس دیدگاه ون دایک درباره "مطالعات انتقادی گفتمان"^۲ (CDS) (ون دایک، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶، ۲۰۱۵) و با در نظر داشتن دیدگاه‌های وی در مورد "مطالعات انتقادی زمینه"^۳ (ون دایک، ۲۰۰۴، ۲۰۰۹) و نیز با توجه به برخی روش‌های تحلیل داده‌ها در تحقیق کیفی (فلیک^۴، ۲۰۱۴) می‌پردازد.

الف) پیشینه پژوهش

بر اساس رویکرد انتقادی در مطالعات زبان و جامعه، CDS به ابعاد مختلف ایدئولوژی و روابط قدرت مستتر در فضاهای گفتمانی در جامعه می‌پردازد (ون دایک، ۲۰۱۶). این روابط به طور طبیعی شامل مسائلی چون منافع و سلطه است و به همین دلیل CDS به طور ذاتی بر جنبه‌های سیاسی موضوعات متمرکز است (ون دایک، ۲۰۱۵؛ ون لیون^۵، ۲۰۰۹). بنابراین شاید بتوان گفت؛ صرف‌نظر از موضوع گفتمان مورد بررسی، پژوهش‌های گفتمانی بر مبنای CDS در همه حال به نوعی "سیاسی" هستند. با وجود این، بارزترین نمونه‌های مسائلی مانند قدرت و سلطه که حادث‌ترین پیامدها را دارند؛ در گفته‌های سیاست‌مداران و گفتمان سیاسی جلوه‌گر می‌شوند (چیلتون^۶، ۲۰۰۴؛ فرکلاف و فرکلاف، ۲۰۱۲؛ کپ، ۲۰۰۲؛ نیاگو، ۲۰۱۳). بنابراین مطالعات مبتنی بر CDS در زمینه بررسی ابعاد مختلف گفتمان سیاسی کاربرد و اهمیت ویژه‌ای می‌یابند.

سیاست همواره ارتباط تنگاتنگی با قدرت سخت اقتصادی و نظامی دارد؛ اما جهت‌دهی نگرش‌های عمومی و جریان‌ات اجتماعی نیز بخش جدایی‌ناپذیری از سیاست است؛ که توسط ابزار گفتمانی انجام می‌پذیرد. همراه کردن افکار عمومی با تصمیمات و اقدامات سیاست‌مداران از طریق گفتمان سیاسی تا حدی با سیاست و اقدامات سیاست‌مداران آمیخته است که به اعتقاد چیلتون

- 1 . Hart
- 2 . Critical discourse studies
- 3 . Critical context studies
- 4 . Flick
- 5 . Van Leeuwen
- 6 . Chilton

(۲۰۰۴) بدون کاربرد زبان، فعالیت سیاسی وجود ندارد. با توجه به این، به تعبیر ون دایک (۲۰۰۲) گفتمان سیاسی بر این اساس تعریف می‌شود که چه کسانی، با چه کسانی، درباره چه موضوعی، در چه زمانی، و با چه هدفی سخن می‌گویند. به عبارت دیگر گفتمان سیاسی بیشتر بر مبنای کارکردهای سیاسی زبان تعریف می‌شود؛ تا ویژگی‌های صورتی متن سیاسی. ووداک (۲۰۱۲) نیز کارکردهای گفتمان سیاسی و ارتباط ساختار قدرت و راهبردهای تصمیم‌گیری سیاسی را از مهم‌ترین نکات قابل توجه در مطالعه زبان و سیاست می‌داند.

از این رو، پژوهش‌های انتقادی گفتمان و به طور خاص رویکرد CDS در سطح گسترده‌ای برای بررسی و درک عمیق‌تر مسائل سیاسی و به‌طور مشخص سخنرانی‌های سیاست‌مداران که گونه‌ای مشخص از گفتمان سیاسی را تشکیل می‌دهد؛ مورد استفاده قرار گرفته است (چارتیس بلک^۱، ۲۰۱۳؛ ووداک، ۲۰۰۹). این بررسی‌ها در زمینه سخنان سیاست‌مداران کشورهای مختلف جهان مانند ونزوئلا (ریز رودریگز^۲، ۲۰۰۸)، اسپانیا (پوجانته و مورالز لویز^۳، ۲۰۰۸)، تایوان (لو^۴، ۲۰۰۸)، و تونس (مالج^۵، ۲۰۱۲) به انجام رسیده است.

این نوع مطالعات در زمینه سخنرانی‌های رؤسای جمهور آمریکا به تعداد نسبتاً قابل توجهی انجام شده است؛ از جمله توسط بن پوراث^۶ (۲۰۰۸)، مزید^۷ (۲۰۰۷)، اودو^۸ (۲۰۱۱). شاید جامع‌ترین تحقیق گفتمانی در این زمینه توسط آوسترموهل^۹ (۲۰۱۴) انجام شده باشد؛ که به تفصیل موضوع جهت‌دهی افکار عمومی در سخنرانی‌های رؤسای جمهور آمریکا را در دوره زمانی بیش از دو قرن بررسی کرده است. به طور خاص، سخنرانی‌های باراک اوباما نیز از نظر بازتاب مسائل گفتمانی مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است (از جمله توسط سلاما^{۱۰}، ۲۰۱۲؛ کین پویتر^{۱۱}، ۲۰۱۳؛ میرحسینی^{۱۲}، ۲۰۱۷).

- 1 . Charteris-Black
- 2 . Reyes-Rodriguez
- 3 . Pujante and Morales-Lopez
- 4 . Lu
- 5 . Maalej
- 6 . Ben-Porath
- 7 . Mazid
- 8 . Oddo
- 9 . Austermuhl
- 10 . Salama
- 11 . Kienpointner
- 12 . Mirhosseini

در ایران نیز پژوهش‌های انتقادی در زمینه گفتمان در سال‌های اخیر مورد توجه بوده است (به عنوان مثال، آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵؛ آقاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶؛ یارمحمدی، ۱۳۸۳). به طور مشخص در زمینه ابعاد گفتمانی موضوع هسته‌ای ایران نیز مطالعاتی منتشر شده است؛ که به عنوان نمونه می‌توان به بررسی ابعاد گفتمانی مشروعیت فعالیت هسته‌ای ایران از نگاه آمریکا (غیاثیان و همکاران، ۱۳۹۱)؛ تحلیل انتقادی گفتمان جناح‌های سیاسی ایران در زمینه گفتگوهای هسته‌ای (کلانتریان، ۱۳۹۱)؛ مقایسه گفتمان کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌ها (آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲)؛ و گفتمان روزنامه‌های ایرانی و غیرایرانی درباره برنامه هسته‌ای (تاکی و نخعی، ۱۳۹۴) اشاره کرد.

به طور مشخص درباره گفتمان رؤسای جمهور آمریکا درباره موضوع هسته‌ای نیز دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد نوشته شده است. در یکی از آنها تعدادی از اظهارات جورج بوش رئیس جمهور اسبق آمریکا درباره این موضوع و تلاش او برای القاء نظر خود درباره آن بر افکار عمومی با رویکرد زبانشناسی نقش‌گرا مورد تحلیل قرار گرفت (نواندیش، ۱۳۸۸). مورد دیگر با عنوان "بررسی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و اوباما رئیس جمهور ایالات متحده در مورد توافق هسته‌ای"، تعدادی از سخنرانی‌های اوباما را در محدوده زمانی بعد از توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ به صورت کمی مورد تحلیل قرار داد (جلالی، ۱۳۹۵). با این حال، انعکاس کامل موضوع هسته‌ای ایران در تمام سخنرانی‌های دو دوره ریاست جمهوری اوباما از منظر CDS تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

ب) چارچوب نظری و روش‌شناسی

دیدگاه‌های ون دایک درباره CDS رویکردی را فراهم می‌کند که می‌توان آن را مبنای نظری پژوهش‌های گفتمانی نظیر آنچه در این مقاله ارائه می‌شود؛ قرار داد. اساس این دیدگاه‌ها بر این اصل قرار دارد که گفتمان‌ها همواره دربرگیرنده جهت‌گیری‌ها و تصاویر گفتمانی خاصی هستند که به‌طور کلی بار ایدئولوژیک دارند و این امر در مورد گفتمان سیاسی شدت و حدت بیشتری دارد (چیلتون، ۲۰۰۴؛ ون دایک، ۲۰۰۴). محتوای ایدئولوژیک گفتمان بیشتر مستتر است و مخاطبان این محتوی را اغلب به صورت ناخودآگاه دریافت می‌کنند که در طول زمان برای آنها طبیعی‌سازی می‌شود و به

صورت برداشت‌هایی مسلم و بدیهی در می‌آید (جاگر^۱، ۲۰۰۱) و به این ترتیب بازتولید می‌شود (ون دایک، ۲۰۰۴).

بر اساس این رویکرد، جملات که بخش مشهود زبان هستند؛ قسمت کوچکی از گفتمان را تشکیل می‌دهند که به گفته ون دایک (۲۰۰۴) مانند بخش قابل مشاهده کوه‌های یخی شناور هستند و بخش اصلی گفتمان نامرئی باقی می‌ماند. نکته قابل توجه در این زمینه این است که جهت‌گیری‌ها و تصاویر گفتمانی پنهان را با خوانش دقیق و آگاهانه می‌توان استخراج کرد. از همین رو، از نگاه ون دایک، CDS بیشتر بر نوع نگاه تحلیل‌گر متمرکز است؛ تا بر مدل‌های تحلیلی ثابت از پیش طراحی شده. تفاوت عمده تحلیل‌گر گفتمان با مخاطب عادی، تعمق و دقت در مواجهه با متن؛ آگاهی و توجه به ابعاد ایدئولوژیک و معطوف به قدرت متن؛ فاصله گرفتن آگاهانه از متن و غرق نشدن در آن؛ و توجه به زمینه اجتماعی و سیاسی تولید و کاربرد متن است (ون دایک، ۲۰۱۶).

ون دایک توجه به زمینه کاربرد متن را به طور خاص تحت عنوان مطالعات انتقادی زمینه مورد بررسی قرار می‌دهد (ون دایک، ۲۰۰۷، ۲۰۰۹). کاربرد گفتمانی متن به تنهایی و در خلاء اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه در زمینه اجتماعی خاص خود شکل می‌گیرد. گفتمان سیاسی به طور خاص فراتر از عناصر صوری زبان و در فضای جریانات سیاسی شکل می‌گیرد (ون دایک، ۲۰۰۶). بر همین اساس، ون دایک (۲۰۰۷) مفهوم "زمینه کلان"^۲ را تعریف می‌کند که متشکل از سه عنصر است: موقعیت کلان (شامل زمان و مکان)، افراد و گروه‌های مشارکت‌کننده (و نقش‌ها، ارتباطات، اهداف، و اطلاعات آنان)، و گُش‌های کلان. در بحث حاضر، برنامه هسته‌ای ایران، مسائل بین‌المللی شکل‌گرفته حول آن، مذاکرات هسته‌ای بین ایران و گروه موسوم به ۵+۱، و سابقه روابط بین ایران و آمریکا در مجموع به عنوان زمینه کلان بررسی گفتمان اوپاما در نظر گرفته شده است.

داده‌های لازم برای پرداختن به سؤال مطرح در این پژوهش مجموعه‌ای از سخنرانی‌های باراک اوپاما در دو دوره ریاست‌جمهوری طی هشت سال است که در وبگاه American Rhetoric در دسترس است.^۳ این مجموعه شامل فایل صوتی این سخنرانی‌ها به همراه فایل متن هر یک از آنها است و متن ۳۷۷ سخنرانی موجود در این وبگاه که مربوط به دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ است؛ برای بررسی ابعاد مختلف تصویر گفتمانی ارائه شده از موضوع هسته‌ای ایران در سخنان اوپاما طی این

.....
1 . Jager

2 . Macro contexts

3 . <http://www.americanrhetoric.com/barackobamaspeeches.htm>

هشت سال انتخاب شد. جدول ۱ ارائه دهنده اطلاعات بیشتری درباره حجم بیش از ۳،۱۰۰ صفحه‌ای داده‌های مورد بررسی در این پژوهش است.

جدول ۱- داده‌های پژوهش متشکل از سخنرانی‌های باراک اوباما طی دو دوره ریاست جمهوری

دوره دوم			دوره اول		
حجم سخنرانی‌ها		سال	حجم سخنرانی‌ها		سال
صفحات متن	تعداد سخنرانی		صفحات متن	تعداد سخنرانی	
۳۵۱	۴۸	۲۰۱۳	۳۱۲	۴۴	۲۰۰۹
۲۸۶	۳۱	۲۰۱۴	۳۶۴	۵۳	۲۰۱۰
۵۳۹	۶۵	۲۰۱۵	۲۸۶	۴۶	۲۰۱۱
۶۸۷	۶۲	۲۰۱۶	۲۸۱	۲۸	۲۰۱۲
۱،۸۶۳	۲۰۶	۲۰۱۳-۲۰۱۶	۱،۲۴۳	۱۷۱	۲۰۰۹-۲۰۱۲
			۳،۱۰۶ صفحه	۳۷۷ سخنرانی	۲۰۰۹-۲۰۱۶

بررسی داده‌ها به روش استقرایی با الهام از "نظریه زمینه" (چارمز^۱، ۲۰۰۶) و "تحلیل محتوای کیفی" (شریر^۲، ۲۰۱۲) انجام شده است که مبتنی بر جستجوی تک تک موارد مربوط به مسأله تحقیق در متن داده‌ها و سپس شکل‌دهی مقوله‌های موضوعی با توجه به الگوهای ظاهر شده در جریان جستجو است. مقولات استخراج شده با این روش با رویکرد مطالعات انتقادی گفتمان و با توجه به مبحث مطالعات انتقادی زمینه می‌تواند تصویرگر ابعاد عمده‌ای از مسائل مربوط به موضوع پژوهش باشد. بر این اساس، روش عملی بررسی داده‌ها طی مراحل زیر شکل گرفت:

ابتدا متن کامل ۳،۱۰۶ صفحه‌ای تمام ۳۷۷ سخنرانی مورد بررسی، با به‌کارگیری نرم‌افزار تحقیق کیفی MAXQDA10 و با استفاده از عملگر جستجوی واژگانی این نرم‌افزار در دو مرحله مورد جستجو قرار گرفت. به این ترتیب که در مرحله اول با دو کلیدواژه Iranian و Iranian تمام پاراگراف‌هایی که حداقل یکی از این کلمات حداقل یک بار در آنها ذکر شده بود؛ استخراج شدند.

- 1 . Grounded theory
- 2 . Charmaz
- 3 . Qualitative content analysis
- 4 . Schreier

حاصل این مرحله حدود ۴۲،۰۰۰ کلمه متن برگرفته از تمام سخنان اوباما در طول دوره ریاست جمهوری بود که به نوعی در ارتباط با ایران قرار می‌گرفت.

در مرحله دوم، مجموعه متن حاصل از مرحله اول جستجوی واژگانی بار دیگر بر اساس شش کلیدواژه *NPT, nuclear, proliferation, enrichment, uranium* و *centrifuge* مورد جستجو قرار گرفت و کلیه پاراگراف‌هایی که حداقل یکی از این کلمات حداقل یک بار در آن ذکر شده بود استخراج شدند. در این مرحله مجموعه متنی شامل ۲۱،۴۸۹ کلمه حاصل شد که اطلاعات مربوط به آن به تفکیک دوره‌ها و سال‌های ریاست جمهوری اوباما در جدول ۲ آمده است. با توجه به کلیدواژه‌های دو مرحله جستجوی انجام شده، که در یک مرحله اصل داده‌ها را محدود به موضوع ایران و در مرحله بعد آن را محدود به موضوع هسته‌ای کرد، این مجموعه را می‌توان دربرگیرنده تمامی گفته‌های اوباما درباره موضوع هسته‌ای ایران در طول هشت سال دوره ریاست جمهوری او دانست.

جدول ۲- حجم مجموعه متن منتخب بعد از دو مرحله جستجوی واژگانی

دوره دوم		دوره اول	
تعداد کلمات	سال	تعداد کلمات	سال
۱۸۰۸	۲۰۱۳	۷۳۵	۲۰۰۹
۶۹۱	۲۰۱۴	۱،۴۱۱	۲۰۱۰
۱۰،۴۹۴	۲۰۱۵	۵۴۴	۲۰۱۱
۳،۴۵۲	۲۰۱۶	۲،۳۵۴	۲۰۱۲
۱۶،۴۴۵	۲۰۱۳-۲۰۱۶	۵۰۴۴	۲۰۰۹-۲۰۱۲
		۲۱،۴۸۹ کلمه	۲۰۰۹ - ۲۰۱۶

تمام متن حاصل از مرحله دوم جستجو با کلیدواژه‌ها به طور کامل در چند مرحله بازخوانی و با توجه به مسأله مورد نظر پژوهش به صورت باز (آزاد)^۱ کدگذاری شد. سپس موارد کدگذاری شده در چند مرحله بازخوانی شد و "کدگذاری محوری"^۲ در مورد گداهای اولیه انجام گرفت و در نهایت هفت مقوله اصلی از آنها استخراج شد که با در نظر گرفتن زمینه کلان موضوع هسته‌ای ایران مبنای

.....
 1 . Open (free) coding
 2 . Axial coding

بحث و بررسی تفصیلی قرار گرفت. همان‌گونه که در بخش بعد دیده می‌شود در نظر گرفتن مجموعه این هفت مقوله نشان دهنده وجود تصویر گفتمانی منسجم و رویکردی هدفمند در مجموعه سخنرانی‌های اوباما است که طی دوره‌ای هشت ساله بخش مهمی از فضای گفتمانی مربوط به موضوع هسته‌ای ایران را در سطح جهان شکل داده است.

پ) بحث و تحلیل

همان‌طور که در بخش قبل تشریح شد، ۲۱،۴۸۹ کلمه متن حاصل از دو مرحله جستجوی واژگانی که دربرگیرنده تمام موضع‌گیری‌های رسمی باراک اوباما درباره موضوع هسته‌ای ایران در طول هشت سال است؛ در چند مرحله بازخوانی و کدگذاری شد که حاصل آن استخراج هفت مقوله اصلی مربوط به موضوع بود. این هفت مقوله که نشان دهنده تصویر گفتمانی مستتر در سخنرانی‌های اوباما درباره موضوع مورد نظر است؛ در بخش‌های بعد به تفصیل با توجه به زمینه کلان موضوع در سطح جهانی و با ارائه مثال‌های متعدد تحت این عناوین مورد بحث قرار می‌گیرند: (۱) تهدیدی عظیم برای جهان؛ (۲) مصمم در برابر ایران هسته‌ای؛ (۳) ترجیح راه‌حل صلح‌آمیز؛ (۴) همه گزینه‌ها روی میز؛ (۵) جهان با ما همراه است؛ (۶) فشارهای سیاسی از درون؛ و (۷) دستاوردی بزرگ برای آمریکا. (عبارات بیان شده بین علامت " " ترجمه عین گفته‌های اوباما است و عبارات انگلیسی شماره‌گذاری شده نیز مثال‌های دیگری است که برگرفته از متن سخنرانی‌ها است. در تمام این موارد سال انجام سخنرانی مورد استناد بعد از هر یک از عبارات ذکر شده است.)

۱. تهدیدی عظیم برای جهان

به نظر می‌رسد اوباما برای شکل دهی زمینه اولیه رویکرد گفتمانی خود نسبت به مسأله هسته‌ای ایران، تصویری از این موضوع ارائه می‌کند که نشانگر تهدیدی اساسی و غیرقابل انکار برای آمریکاست. چه در سال‌های پیش از انجام مذاکرات هسته‌ای بین ایران و کشورهای موسوم به ۵+۱ و چه در زمان برگزاری مذاکرات و حتی پس از انجام توافق هسته‌ای، اوباما به طور مکرر از کلمه تهدید (threat) در این زمینه استفاده کرده است. عبارت‌های زیر نمونه‌هایی از کاربرد این کلمه و کلمات مشابه است:

1. Iran's nuclear and ballistic missile activity poses a real threat... (2009)

۱. فعالیت‌های ایران در زمینه موشک‌های هسته‌ای و بالستیک تهدیدی واقعی است...

2. Its illicit nuclear program is just one challenge that Iran poses. (2011)
(۲). برنامه هسته‌ای غیرمجاز تنها یکی از چالش‌هایی است که ایران ایجاد می‌کند.)
3. ...a nuclear Iran is a threat to our national security... (2012)
(۳)...ایران هسته‌ای تهدیدی برای امنیت ملی ماست...
4. A nuclear-armed Iran would raise the risk of nuclear terrorism. (2013)
(۴). ایران مجهز به سلاح هسته‌ای خطر تروریسم هسته‌ای را افزایش خواهد داد.)
5. Among U.S. policymakers, there's never been disagreement on the danger posed by an Iranian nuclear bomb. (2015)
(۵). در بین سیاست‌گذاران آمریکا، هرگز اختلاف نظری درباره‌ی خطر ناشی از بمب هسته‌ای ایران وجود نداشته است.)
6. ...the theocracy there [in Iran] has engaged in all kinds of very dangerous and provocative behaviors... (2016)
(۶)...حکومت مذهبی آنجا [در ایران] انواع رفتارهای بسیار خطرناک و تحریک‌کننده بروز داده است...
تصویری که از این تهدید ارائه می‌شود نه تنها مانند موارد فوق، آمریکا را هدف آن نشان می‌دهد؛ بلکه اوپاما سعی می‌کند گستره‌ی این خطر را فراتر از کشور خود و به عنوان معضلی جهانی مطرح کند. همان‌گونه که در عبارات زیر قابل مشاهده است، وی محدوده‌ی خطر و تهدید هسته‌ای ایران را به همسایگان ایران، متحدان آمریکا، و حتی تمام جهان تعمیم می‌دهد. به این ترتیب زمینه‌ی گفتمانی سایر ابعاد مواضع خود که در بخش‌های بعد مورد بحث قرار خواهد گرفت را شکل می‌دهد:
7. Iran's nuclear and ballistic missile activity poses a real threat, not just to the United States, but to Iran's neighbors and our allies. (2009)
(۷). فعالیت‌های ایران در زمینه موشک‌های هسته‌ای و بالستیک تهدیدی واقعی است، نه تنها برای آمریکا بلکه برای همسایگان ایران و متحدان ما.)
8. We continue to share our deep concerns about Iran... the threat that it poses to the region and the world if it were to develop a nuclear weapon... (2011)
(۸). ما همچنان به ابراز نگرانی درباره‌ی ایران ادامه می‌دهیم... تهدیدی که در صورت دستیابی به سلاح هسته‌ای برای منطقه و جهان ایجاد می‌کند...
9. Now there are some 10,000 centrifuges spinning uranium, preparing to create a nuclear threat to the United States and to the world. (2012)
(۹). در حال حاضر ۱۰,۰۰۰ سانتریفیوژ اورانیوم در حال پررخس است، و آماده می‌شود تا تهدیدی هسته‌ای برای آمریکا و جهان ایجاد کند.)

10. We are clear-eyed about Iran's support for terrorist organizations like Hezbollah, which threaten our allies... (2014)

۱۰. ما تصویر روشنی از حمایت ایران از سازمان‌های تروریستی مانند حزب الله داریم، که متحدان ما را تهدید می‌کند...

11. The starting premise of our strategy with respect to Iran has been that it would be a grave threat to the United States and to our allies if they obtained a nuclear weapon. (2015)

۱۱. مبنای اولیه راهبرد ما نسبت به ایران این بوده است که اگر به سلاح هسته‌ای دست یابد تهدیدی جدی برای آمریکا و متحدان ما خواهد بود.

دامنه گسترش این تهدید مورد ادعا در سطح جهانی تا جایی پیش می‌رود که تعرض به نظام، عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای توسط ایران "تهدیدی برای عدالت در همه‌جا" (۲۰۱۰) شمرده می‌شود. این تصویر مستتر در سخنرانی‌های اوباما زمینه را برای برداشتن گام‌های گفتمانی بعدی یعنی تأکید بر پایبندی آمریکا به مقابله با ایران هسته‌ای و تبیین چگونگی این مقابله آماده می‌کند. این فضای گفتمانی نیز به نوبه خود از نظر جهت‌گیری‌های رسانه‌ای و به تبع آن افکار عمومی، زمینه را برای تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات عملی درباره این موضوع در درون آمریکا و نیز در سطح جهان فراهم می‌کند.

۲- مصمم در برابر ایران هسته‌ای

دومین مقوله‌ای که با بررسی گفتمان مورد بحث در این مقاله آشکار می‌شود؛ این است که اوباما با تأکید بر "تعهد آمریکا برای رسیدن به جهانی که در آن هیچ کشوری سلاح‌های هسته‌ای در اختیار نداشته باشد" (۲۰۰۹) آمریکا را مصمم به جلوگیری از دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای معرفی می‌کند. در کنار برجسته‌سازی تهدیدی تحت عنوان ایران هسته‌ای در خلال این سخنرانی‌ها در طول هشت سال، همواره بر این امر تأکید می‌شود که "برنامه هسته‌ای ایران قابل قبول نیست" (۲۰۱۲) و یکی از اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا "جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای" (۲۰۱۵) است. عبارات زیر نمونه‌های دیگری از این دست تعبیر هستند که در گفتمان باراک اوباما درباره مسأله هسته‌ای ایران قابل مشاهده است:

12. ...let me be absolutely clear – we remain committed to preventing Iran from acquiring nuclear weapons. (2011)

۱۲. ... اجازه بدهید کاملاً شفاف صحبت کنم - ما به بازداشتن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای

پابند می‌مانیم).

13. Let there be no doubt: America is determined to prevent Iran from getting a nuclear weapon... (2012)

(۱۳). نباید تردیدی باقی بماند: آمریکا مصمم است ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای باز دارد...

14. I've made clear my determination to prevent Iran from obtaining a nuclear weapon. (2013)

(۱۴). من مصمم بودن خود برای بازداشتن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای را به روشنی بیان کرده‌ام.

15. Remember, I have always insisted that I will do what is necessary to prevent Iran from acquiring a nuclear weapon, and I will. (2015)

(۱۵). به خاطر داشته باشید، من همیشه تأکید کرده‌ام که هر چه لازم باشد برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای انجام می‌دهم، و انجام می‌دهم.

16. ...my first priority, my first concern was making sure that we got their nuclear program stopped... (2016)

(۱۶). ...اولویت اول من، دغدغه اول من این بود که از متوقف کردن برنامه‌های هسته‌ای آنها اطمینان حاصل کنم...

این تأکید بر عزم جدی آمریکا برای رویارویی با برنامه هسته‌ای ایران با تعبیر مختلف دیگری نیز توسط اوباما بیان می‌شود؛ از جمله به این صورت که "رهبران ایران با پیامدهای فزاینده روبرو خواهند شد" (۲۰۱۰)؛ "تا زمانی که من رئیس‌جمهور آمریکا باشم ایران به سلاح هسته‌ای نخواهد رسید" (۲۰۱۲)؛ و "این خطری نیست که قابل تحمل باشد" (۲۰۱۳). با توجه به خطری که در بخش قبل به آن پرداخته شد و با توجه با جدیتی که در مقابله با آن تصویر شد؛ رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند به این نکته برسد که "هر چه برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای لازم باشد" (۲۰۱۳) انجام خواهد داد؛ حتی اقدام نظامی:

17. I have a policy to prevent Iran from obtaining a nuclear weapon. And... I will not hesitate to use force when it is necessary... (2012)

(۱۷). سیاست من این است که ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای باز دارم. و... در صورت نیاز در استفاده از زور تردید نخواهم کرد.

18. The question, then, is not whether to prevent Iran from obtaining a nuclear weapon, but how. (2015)

(۱۸). پس مسأله، اصل بازداشتن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای نیست، بلکه چگونگی آن است.

۳- ترجیح راه‌حل صلح‌آمیز

همان‌طور که در عبارت شماره ۱۷ در بخش قبل آمده است؛ اوباما تصریح می‌کند که در صورت لزوم در مسأله هسته‌ای ایران برای توسل به زور تردید نخواهد کرد. با این حال، او در سرتاسر دوران ریاست جمهوری خود همواره به این نکته اشاره دارد که تعامل، گفتگو، روش‌های دیپلماتیک، و راه‌حل صلح‌آمیز را ترجیح می‌دهد و بر سایر روش‌ها مقدم می‌داند. بخشی از این موضوع که به عنوان سومین مقوله اصلی مستخرج از داده‌ها در این تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد؛ تأیید حق ایران برای استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای است که به این ترتیب رئیس‌جمهور آمریکا وجهه منطقی و صلح‌جوی سیاست‌های کشور خود را برجسته‌تر جلوه می‌دهد. موارد زیر نمونه‌هایی از تأیید "حق ایران نسبت به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای" (۲۰۰۹) است:

19. We will support Iran's right to peaceful nuclear energy... (2009)

(۱۹). ما از حق ایران برای دستیابی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز حمایت می‌کنیم...

20. We've made it clear, time and again, that we respect Iran's right, like all countries, to access peaceful nuclear energy. (2010)

(۲۰). بارها به روشنی بیان کرده‌ایم که به حق ایران برای دستیابی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز مانند سایر کشورها احترام می‌گذاریم.)

در کنار این حقی که به نظر می‌رسد توسط اوباما به رسمیت شناخته می‌شود، وی تأکید تکرار می‌کند که ترجیح می‌دهد مسأله هسته‌ای ایران را که به عنوان خطری فراگیر ترسیم کرده است، از راه‌های غیر نظامی به صورت صلح‌آمیز و دیپلماتیک حل کند. ادعای "ترجیح راه‌حل صلح‌آمیز و دیپلماتیک این مسأله" (۲۰۱۵) برای اوباما با تعابیر دیگری مانند "علاقه دوجانبه"، "احترام دوجانبه"، "گفتگو"، "دیپلماسی مبتنی بر اصول"، نیز در سخنرانی‌های مختلف، از جمله در عبارات منتخب زیر بیان شده است:

21. My administration will seek engagement with Iran based on mutual interests and mutual respect. We believe in dialogue. (2009)

(۲۱). دولت من به دنبال مذاکره با ایران بر اساس علاقه دوجانبه و احترام متقابل است. ما به گفتگو معتقد هستیم.)

22. We... [are] prepared to pursue diplomatic solutions to address the concerns over Iranian nuclear programs. (2010)

(۲۲). ما... آماده پیگیری راه‌حل‌های دیپلماتیک برای پرداختن به دغدغه‌های مربوط به برنامه‌های

هسته‌ای ایران [هستیم].

23. ...our mission is in Iran... is to dissuade Iran from having a nuclear weapon through peaceful and diplomatic means. (2012)

۲۳)... مأموریت ما در ایران... منصرف کردن ایران از داشتن سلاح هسته‌ای است از طریق روش‌های صلح‌آمیز و دیپلماتیک.

24. Strong and principled diplomacy is the best way to ensure that the Iranian government forsakes nuclear weapons. Peace is far more preferable to war. (2013)

۲۴)... دیپلماسی قوی و اصولی بهترین راه برای اطمینان حاصل کردن نسبت به چشم پوشی ایران از سلاح هسته‌ای است.

25. ...we also believe that cooperation and dialogue is the best way to address challenges between nations. (2016)

۲۵)... ما همچنین معتقدیم که همکاری و گفتگو بهترین راه پرداختن به چالش‌های بین‌ملت‌هاست. با این حال، اوباما به صورت بسیار پررنگی در سراسر دوران ریاست جمهوری خود علاوه بر راه‌حل‌های مبتنی بر گفتگو و علائق دوجانبه، توجه خود را به دو نوع راهکار دیگر نیز معطوف داشته است. یکی از این دو روش استفاده گسترده از تحریم‌ها به صورت ابزاری بالفعل در برخورد با ایران است و دیگری اقدام نظامی است که همواره از آن به عنوان ابزار بالقوه‌ای برای تهدید و اعمال فشار استفاده شده است. در بخش بعدی که عنوان آن اشاره‌ای به عبارت معروف "گزینه‌های روی میز" دارد، به انعکاس گفتمانی این دو مسأله در سخنرانی‌های دوران ریاست جمهوری اوباما پرداخته می‌شود.

۴- همه گزینه‌ها روی میز

با وجود ذکر راهکارهای مبتنی بر صلح و گفتگو به عنوان انتخاب اول و برتر در حل مسأله هسته‌ای ایران، توجه به فضای گفتمانی وسیع‌تر باراک اوباما در گستره چندصد سخنرانی و در دوره‌ای هشت ساله نشان می‌دهد؛ که یا ابراز تمایل به این روش‌ها غیرواقعی است؛ یا حداقل این که گفتگو و دیپلماسی مطلوب اوباما در سایه سایر اهرم‌ها شکل می‌گیرد. ذیل این مقوله اصلی، یکی از مقولات فرعی مربوط به اهرم بسیار پرکاربرد تحریم‌ها و دیگری تهدید نظامی است. با همین رویکرد، او در سال ۲۰۱۰ از "جامع‌ترین تحریم‌ها" سخن می‌گوید و در سال ۲۰۱۱ "تحریم‌های سخت‌تر و شدیدتر از تمام دوره‌های قبل" را مطرح می‌کند.

نکته قابل توجه در این خصوص این است که تصویری که اوباما از تحریم‌ها ترسیم می‌کند؛ عبارت است از ابزاری در خدمت نیات صلح‌طلبانه آمریکا. به عنوان مثال این تصویر در عبارت‌های شماره ۲۹-۲۶ به این صورت ارائه شده است که دلیل فشار بر ایران بی‌توجهی به صلح مورد حمایت معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) است. هدف از اعمال تحریم‌ها حل صلح‌آمیز مسأله بوده است؛ و مهم‌تر از همه این‌که تحریم‌ها ایران را پای میز مذاکره آورده است. موارد دیگری از این دست نیز در این عبارت‌ها قابل مشاهده است:

26. ...if the Iranian government continues to undermine the NPT and the peace that it protects, then Iran will find itself more isolated, less prosperous and less secure. (2010)

(۲۶). ...اگر دولت ایران به نادیده گرفتن ان‌پی‌تی و صلح مورد حمایت آن ادامه دهد، خود را در انزوای بیشتر و با موفقیت و امنیت کمتر خواهد یافت.)

27. And the intention in setting up those sanctions always was to bring the Iranians to the table so that we could resolve this issue peacefully, because that is my preference. (2013)

(۲۷). و هدف از برقراری تحریم‌ها همیشه آوردن ایران به پای میز بوده است به طوری که بتوانیم این مسأله را به صورت مسالمت‌آمیز حل کنیم، چون این ترجیح من است.)

28. On Iran, because of the unprecedented sanctions that we put in place that really did have a crippling effect on Iran's economy, they've come to the table... (2014)

(۲۸). درباره ایران، به دلیل تحریم‌های بی‌سابقه‌ای که ما وضع کرده‌ایم و تأثیر فلج‌کننده‌ای که بر اقتصاد ایران داشته است، آنها به پای میز آمده‌اند...)

29. ...we constructed an extraordinarily effective sanctions regime that pressured Iran to come to the table to negotiate in a serious fashion. (2015)

(۲۹). ...ساختار تحریمی فوق‌العاده‌ای شکل داده‌ایم که ایران را وادار کرد به پای میز مذاکره بیاید و به مذاکره جدی بپردازد.)

درعین حال، اوباما به‌طور مکرر این حربه گفتمانی معروف خود را نیز به کار می‌برد که "هیچ گزینه‌ای را از روی میز حذف نخواهد کرد" (۲۰۱۲). با وجود تأکید بر "دیپلماسی مستقیم" (۲۰۰۹) و "احترام متقابل" (۲۰۰۹)، اوباما به "نگرانی‌های عمیق" (۲۰۱۲) خود نیز اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد که زمان برای پیشبرد دیپلماسی محدود است. بر همین اساس اعلام می‌کند که "اگر رهبران ایران از این فرصت استفاده کنند؛ ایران می‌تواند گام مهمی در پیوستن دوباره به جامعه ملل بردارد"

(۲۰۱۴). در غیر این صورت، همان‌طور که در عبارت زیر آمده است، گزینه‌ای که به‌طور صریح توسط اوپاما مطرح می‌شود، گزینه‌های نظامی واقعی است:

30. Our military remains the ultimate backstop to any security agreement that we make. I have stated that Iran will never be allowed to obtain a nuclear weapon. I have done what is necessary to make sure our military options are real. (2015)

۳۰. نیروی نظامی ما همواره پشتوانه عمده تمام توافقات امنیتی ماست. گفته‌ام که ایران هرگز اجازه نخواهد یافت به سلاح هسته‌ای دست یابد. اقدامات لازم را انجام داده‌ام تا اطمینان حاصل کنم که گزینه‌های نظامی ما واقعی است.)

۵- جهان با ما همراه است

یکی از مقولات عمده قابل مشاهده در خلال سخنرانی‌های اوپاما در موضوع هسته‌ای ایران در طول سالیان ریاست‌جمهوری او اشاره مکرر به همراهی دیگر کشورهای جهان با مواضع آمریکاست. یکی از ابعاد تصویری که از این امر ارائه می‌شود؛ نام بردن از کشورهایی خاص یا سران آنها به عنوان همراهان آمریکا در رویارویی با مسئله هسته‌ای ایران است. روسیه و رئیس‌جمهور این کشور، چین، انگلستان، فرانسه، و آلمان از جمله این همراهان هستند که رئیس‌جمهور آمریکا از آنان نام می‌برد و مدعی می‌شود که "تیم‌های مشترک آنان با آمریکا کار کرده‌اند" (۲۰۱۰) یا "ائتلافی از کشورها تشکیل داده‌اند که اصرار دارد جمهوری اسلامی ایران با پیامدهای [رفتار خود] مواجه شود" (۲۰۱۰). علاوه‌براین، عبارات شماره ۳۱-۳۵ نشان می‌دهد که وی در گفتمان خود از این نیز فراتر می‌رود و تمام جهان را در این زمینه متفق با آمریکا معرفی می‌کند:

31. Indeed, the entire world has an interest in preventing Iran from acquiring a nuclear weapon. (2012)

۳۱. به واقع تمام جهان از بازداشتن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای منتفع می‌شود.)

32. Through the power of our diplomacy, a world that was once divided about how to deal with Iran's nuclear program now stands as one. (2012)

۳۲. به واسطه قدرت دیپلماسی ما، جهانی که زمانی درباره چگونگی برخورد با برنامه هسته‌ای ایران اختلاف نظر داشت اکنون یکپارچه است.)

33. ...That international unity is on display today. The world is united in support of our determination to prevent Iran from developing a nuclear weapon. (2013)

۳۳)... آن همبستگی بین‌المللی امروز نمایان است. جهان در حمایت از اراده ما برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای متحد است.

34. ...the world stood with us and we were joined at the negotiating table by the world's major powers – the United Kingdom, France, Germany, Russia, and China, as well as the European Union. (2015)

۳۴)... جهان با ما ایستاد و قدرت‌های بزرگ جهان بر سر میز مذاکره در کنار ما بودند- انگلستان، فرانسه، آلمان، روسیه، و چین، و نیز اتحادیه اروپا.

35. ...we built a global coalition, with sanctions and principled diplomacy, to prevent a nuclear-armed Iran... (2016)

۳۵)... ائتلافی جهانی تشکیل دادیم، همراه با تحریم‌ها و دیپلماسی اصولی، برای پیشگیری از ایرانی مجهز به سلاح هسته‌ای...

همان‌طور که در این مثال‌ها قابل مشاهده است، تعبیری مانند "تمام جهان" و "قدرت‌های بزرگ جهان" تصویری از موضوع ارائه می‌کند که گفتمان (و به دنبال آن تصمیمات و اقدامات احتمالی) آمریکا را نماینده دیدگاه‌ها و مواضع جهانیان جلوه می‌دهد. این تصویر در راستای مقوله اول قرار می‌گیرد که تحت عنوان "تهدیدی عظیم برای جهان" مورد بحث قرار گرفت. بر همین اساس اوباما متذکر می‌شود که سخنان او تنها بیان‌گر مواضع آمریکا نیست؛ زیرا "کشورها در سراسر جهان در حال از بین بردن مواد هسته‌ای هستند" (۲۰۱۱) و از این‌رو، ایران نیز باید از این روند پیروی کند و نه به عنوان خواست آمریکا، بلکه به عنوان جریانی جهانی باید از "قطع‌نامه‌های سازمان ملل تبعیت کند" (۲۰۱۲).

۶- فشارهای سیاسی از درون

در پنج مقوله فوق جهت‌گیری گفتمان باراک اوباما تقریباً به طور کامل معطوف فضای بین‌المللی بوده است. با این حال، علاوه بر چالش‌های روبروی آمریکا در سطح جهانی، موضوع هسته‌ای ایران در فضای سیاسی داخلی آمریکا و به‌طور مشخص بین دو حزب جمهوری خواه و دمکرات نیز مورد اختلاف بوده است. به همین دلیل بخش قابل توجهی از سخنرانی‌های اوباما به خصوص در سال ۲۰۱۵ که اوج دوران مذاکرات هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ بود به کشمکش‌ها و فشارهای سیاسی درونی آمریکا و مخالفت‌های داخلی با این مذاکرات معطوف بود. وی به صراحت بیان می‌کند که درباره این موضوع برخی "سیاست‌ها و فشار سیاسی در درون ایالات متحده وجود دارد" (۲۰۱۵).

اوباما در برابر این فشارهای سیاسی مخالفان خود بر این نکته تأکید می‌کند که برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران و یا ادامه تحریم‌ها ممکن نیست:

36. If you ask me, would I prefer that Iran never had... anything related to nuclear power, ...that would be great. But that's not possible. (2015)

۳۶. اگر از من بپرسید آیا دوست داشتم ایران هرگز... چیزی مربوط به قدرت هسته‌ای در اختیار نداشت... بسیار خوب می‌شد. اما چنین چیزی ممکن نیست.)

37. ...That argument is also premised on the notion that... we're able to keep sanctions in place with the same vigor and effectiveness as we have right now. And that, I can promise you, is not true. (2015)

۳۷. ...چنین موضعی بر این اساس مطرح می‌شود که... ما می‌توانیم تحریم‌ها را با همین شدت و تأثیر کنونی برقرار نگه داریم. و می‌توانم قول بدهم چنین چیزی واقعیت ندارد.)

در کنار این نکته، حرکت گفتمانی اصلی اوباما در زمینه این موضوع بر این اساس قرار می‌گیرد که بر خلاف نظر مخالفان مذاکرات هسته‌ای با ایران در درون آمریکا، این مذاکرات به صورتی انجام می‌شود که توافق حاصل از آن تضمین کننده عدم دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای و "تأمین کننده امنیت ملی ایالات متحده" (۲۰۱۵) باشد و امنیت آمریکا و جهان را بیشتر کند:

38. The deal... achieves our top priority – making sure that Iran does not get a nuclear weapon. (2015)

۳۸. این توافق... به اولویت اصلی ما دست می‌یابد- کسب اطمینان از عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای.)

39. ...I challenge those who are objecting to this agreement... to explain specifically where it is that they think this agreement does not prevent Iran from getting a nuclear weapon... (2015)

۳۹. ...من کسانی که به این توافق اعتراض دارند را به چالش می‌کشم... که بگویند دقیقاً کدام بخش این توافق از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری نمی‌کند...)

40. This nuclear deal meets the national security interests of the United States and our allies. It prevents the most serious threat – Iran obtaining a nuclear weapon... That's why this deal makes our country, and the world, safer and more secure... (2015)

۴۰. این توافق هسته‌ای منافع امنیت ملی آمریکا و متحدان ما را تأمین می‌کند. از جدی‌ترین تهدید جلوگیری می‌کند - دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای... به همین دلیل این توافق کشور ما و جهان را امن‌تر می‌کند...)

به این ترتیب حربۀ گفتمانی اوباما در برابر فشارهای سیاسی از درون آمریکا در مقابل مذاکره با ایران و در پاسخ آن بخش از نظام سیاسی آمریکا که خواهان برخورد شدید با ایران هستند؛ شامل چهار نکته است: امکان‌پذیر نبودن ادامه تحریم‌ها؛ نبود راهی برای از بین بردن کامل برنامه هسته‌ای ایران؛ تضمین عدم دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای؛ و تأمین منافع و امنیت آمریکا. علاوه بر این، اوباما برای مخالفان سرسخت‌تر خود این چالش را مطرح می‌کند که راه حل پیشنهادی خود به جای مذاکره و توافق را مطرح کنند:

41. As the American people and Congress review the deal, it will be important to consider the alternative. Consider what happens in a world without this deal. (2015)

(۴۱). در حالی که مردم آمریکا و کنگره مشغول مرور توافق هستند، باید جایگزین آن را هم در نظر بگیرند. ببینید بدون این توافق چه اتفاقی در جهان می‌افتد.

42. What I haven't heard is, what is your preferred alternative? ...you should have some alternative to present. (2015)

(۴۲). چیزی که نشنیده‌ام این است که جایگزین‌های پیشنهادی شما چیست؟... باید جایگزینی برای ارائه داشته باشید.

۷- دستاوردی بزرگ برای آمریکا

آخرین مقوله عمده حاصل از بررسی گفتمان باراک اوباما درباره موضوع هسته‌ای ایران در طول هشت سال، تصویری است که وی پس از توافق کشورهای ۵+۱ با ایران از این توافق به عنوان دستاوردی بزرگ ارائه می‌کند. او در ارائه این تصویر به موضوع تحریم‌ها و تدابیر سیاسی آمریکا به این صورت اشاره می‌کند؛ که ایران به دلیل تحریم‌های بی‌سابقه‌ای که "واقعاً اثر فلج‌کننده‌ای بر اقتصاد ایران داشت" (۲۰۱۴) پای میز مذاکره قرار گرفت. مهم‌ترین حرکت گفتمانی او در مطرح کردن دستاورد این امر، استفاده از عبارات تأکیدی مانند همه (all) و هرگز (never) است که اوباما در بیان تضمین قطعی جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به کار می‌گیرد. نمونه‌های زیر برخی از تعابیر مورد استفاده او در این زمینه است:

43. Iran has met all of its obligations. It eliminated its stockpile of dangerous nuclear material. (2015)

(۴۳). ایران به همه تعهداتش عمل کرده است. ذخیره مواد هسته‌ای خطرناک خود را از بین برده است.

44. This framework would cut off every pathway that Iran could take to develop a

nuclear weapon. (2015)

۴۴. این چارچوب تمام راه‌های ایران برای رسیدن به سلاح هسته‌ای را خواهد بست.

45. ...Iran will never be permitted to develop a nuclear weapon. (2015)

۴۵... ایران هرگز اجازه نخواهد یافت سلاح هسته‌ای بسازد.

46. ...Iran will not get its hands on a nuclear bomb. The region, the United States, and the world will be more secure. (2016)

۴۶... دست ایران به سلاح هسته‌ای نخواهد رسید. منطقه، آمریکا، و جهان امن‌تر خواهد شد.

علاوه بر این، موضوعی که در این زمینه توسط اوباما برجسته می‌شود؛ این است که این توقف درازمدت و تضمین شده است؛ زیرا "تا چند دهه بازرسان به تمام زنجیره هسته‌ای ایران دسترسی خواهند داشت" (۲۰۱۵). بر اساس همین قطعیت در ممانعت از شکل‌گیری ایران هسته‌ای و تضمین شده بودن آن از دید اوباما، او بعد از قطعی شدن توافق به منتقدان داخلی خود که به گفته او "قبلاً می‌گفتند آسمان به زمین می‌آید" (۲۰۱۶) اشاره می‌کند و از آنها انتظار عذرخواهی دارد. در ضمن برای پررنگ جلوه دادن هرچه بیشتر این دستاورد، همان‌طور که در عبارات زیر قابل مشاهده است، وی از "دستاوردی بزرگ" سخن می‌گوید که بدون جنگ حاصل شده است و در این میان گستره این دست‌آورد و صلح همراه با آن را تمام جهان در نظر می‌گیرد:

47. The Iran nuclear deal is a big piece of business – because without us having to fire a shot, we were able to persuade a big, sophisticated country that had a well-developed nuclear program not to develop nuclear weapons. (2016)

۴۷. توافق هسته‌ای ایران دستیافت بزرگی است – زیرا بدون شلیک یک گلوله، موفق شدیم کشوری بزرگ و پیچیده که برنامه هسته‌ای مفصلی داشت را متقاعد کنیم سلاح هسته‌ای نسازد.

48. ...Iran has rolled back its nuclear program, shipped out its uranium stockpile, and the world has avoided another war. (2016)

۴۸... ایران برنامه هسته‌ای خود را برچیده است، ذخیره اورانیوم خود را خارج می‌کند، و جهان از یک جنگ دیگر اجتناب کرده است.

با تکیه بر همین حرکت‌های گفتمانی و با تثبیت این طرح گفتمانی که به گفته باراک اوباما آمریکا را "قوی‌تر و موفق‌تر" (۲۰۱۶) از پیش کرده است، وی به دستاوردهای کلان این توافق می‌پردازد که عبارت‌اند از تثبیت "اعتبار آمریکا به عنوان تکیه‌گاه نظام جهانی" (۲۰۱۵) و "نمایش رهبری و دمکراسی آمریکا" (۲۰۱۶). در راستای همین نگاه، او این دستاورد بزرگ را مشوقی می‌داند برای "تحمیل فشار بیشتر بر ایران در خصوص سایر مسائل و دغدغه‌های باقی‌مانده" (۲۰۱۵) نسبت به ایران.

نتیجه گیری

در تحقیق منعکس شده در این مقاله سعی بر این بود که برای تبیین هرچه بیشتر ابعاد مختلف موضوع هسته‌ای ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی مربوط به ایران در عرصه بین‌المللی، بررسی جامعی از نقش گفتمانی رئیس‌جمهور آمریکا به‌عنوان یکی از مؤثرترین کشورها در این موضوع انجام پذیرد. دیدگاه‌های باراک اوباما که در سخنرانی‌های او طی هشت سال دوره ریاست جمهوری منعکس شده است؛ در مجموع به عنوان نماینده گفتمان رسمی این کشور در نظر گرفته شد. در بخش‌هایی از آن که مربوط به سیاست خارجی آمریکا است؛ مسائل مربوط به ایران به طور چشمگیری مطرح شده است؛ در این میان موضوع هسته‌ای ایران نیز انعکاس قابل توجهی داشت. چگونگی انعکاس این موضوع و تصویر گفتمانی ارائه شده توسط اوباما درباره آن نکته محوری مدنظر این پژوهش بود.

بررسی داده‌ها که روند انجام آن و بحث تفصیلی مربوط به یافته‌های حاصل از آن در بخش قبل ارائه شد نشان می‌دهد؛ طرحی روائی و تحلیلی در سخنان اوباما پیگیری می‌شود که به‌طور ساده به این صورت قابل بیان است: فعالیت هسته‌ای ایران تهدیدی مسلم برای آمریکا و تمام جهان است که باید با آن مقابله کرد و به همین دلیل آمریکا مصمم به مقابله با آن و رفع این تهدید است. در این رویارویی اولویت آمریکا راه‌حل‌های سیاسی و صلح‌آمیز است؛ اما در صورت عدم تبعیت ایران از راه‌حل‌های صلح‌آمیز، آمریکا برای دفاع از جهانیان آماده استفاده از تحریم و حتی اقدام نظامی علیه ایران است و البته در این مسیر همه جهانیان با آمریکا همراه هستند. در ضمن مخالفان مذاکرات هسته‌ای ایران در درون آمریکا در اشتباهند و توافق هسته‌ای حاصل شده با ایران دستاوردی بزرگ برای اهداف آمریکا در جهان است. اوباما از این روایت نهفته برای همراه‌سازی مخاطبان عام و خاص هم در داخل و هم در خارج آمریکا استفاده می‌کند و این همراه‌سازی به عنوان پشتوانه‌ای برای تصمیمات و اقدامات سیاسی، اقتصادی، و نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد (میرحسینی، ۲۰۱۷).

توجه به مجموعه این هفت مقوله و پیوستگی مفهومی آنها که در ضمن هزاران دقیقه سخنرانی و در گستره زمانی هشت سال مستتر است؛ مبین این نکته است که طرح گفتمانی مشخصی برای ارائه تصویر مورد نظر از این موضوع سیاسی وجود دارد که اغلب به صورت نامحسوس برای مخاطبان عام توسط اوباما پی‌گیری شده است. از این امر شاید بتوان نتیجه گرفت که مواضع وی درباره سایر موضوعات و به طور کلی تمام مواضع سیاست‌مداران که در قالب سخنان رسمی ارائه می‌شود؛ حاوی

تصاویر گفتمانی است که در طول زمان در راستای جهت‌دهی افکار عمومی و ایجاد پشتوانه اجتماعی برای تصمیمات و اقدامات آنان به کار گرفته می‌شود. البته تشخیص این تصاویر گفتمانی و موضع‌گیری هشیارانه درباره آن نیازمند آگاهی انتقادی مخاطبان است که مانع همراهی ناخودآگاه آنان با جریان گفتمانی مسلط شود. علاوه بر این، بررسی انجام شده نشان می‌دهد که می‌توان از نگاه مبتنی بر مطالعات انتقادی گفتمان، در ایجاد آگاهی انتقادی نسبت به گفتمان‌های موجود در جامعه بهره‌گیری کرد.

منابع

الف- منابع فارسی

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، *تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ----- و مریم‌سادات غیاثیان (۱۳۸۶)، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۳، شماره ۱، صص ۵۴-۳۹.
- ----- و همکاران (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی»، *جستارهای زبانی*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۹-۱.
- تاکی، گیتی و مریم نخعی (۱۳۹۴)، «نحوه بازنمایی ایدئولوژی در روزنامه‌های داخلی و خارجی درباره برنامه هسته‌ای ایران»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۳۱.
- جلالی، اصغر (۱۳۹۵)، *بررسی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و اوپاما رئیس‌جمهور ایالات متحده در مورد توافق هسته‌ای در چارچوب نظریه تحلیل گفتمان انتقادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه محقق اردبیلی.
- غیاثیان، مریم‌سادات و همکاران (۱۳۹۲)، «بازنمایی گفتمان مشروعیت فعالیت هسته‌ای ایران از نگاه آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۲۲-۹۷.

- کلانتریان، ندا (۱۳۹۱)، توصیف و تحلیل زبانشناختی گفتگوهای هسته‌ای ایران بین دو جناح اصلاح طلب و اصول گرا: دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تربیت مدرس.
- نواندیش، ابوالفضل (۱۳۸۸)، تحلیل گفتمانی اظهارات رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا درباره موضوع هسته‌ای ایران بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸، پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تربیت معلم سبزوار.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، تهران: نشر هرمس.

ب- منابع انگلیسی

- Austermuhl, F. (2014), *The Great American Scaffold: Intertextuality and Identity in American Presidential Discourse*, Amsterdam: John Benjamins.
- Ben-Porath, E.N. (2008), *Presidents Creating the Presidency: Deeds Done in Words*, Chicago: University of Chicago Press.
- Cap, P. (2002), *Explorations in Political Discourse: Methodological and Critical Perspectives*, Frankfurt: Peter Lang.
- Charmaz, K. (2006), *Constructing Grounded Theory*, London: Sage.
- Charteris-Black, J. (2013), *Analysing Political Speeches*, Basingstoke, UK: Palgrave Macmillan.
- Chilton, P. (2004), *Analysing Political Discourse: Theory and Practice*, London: Routledge.
- Fairclough, N. (2012), "Critical Discourse Analysis," In J.P. Gee and M. Handford (Eds.), *The Routledge Handbook of Discourse Analysis* (pp. 9–20), New York: Routledge.

- Fairclough, I. and Fairclough, N. (2012), *Political Discourse Analysis*, London: Routledge.
- Flick, U. (Ed.) (2014), *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis*, London: Sage.
- Hart, C. and Cap, P. (Eds) (2014), *Contemporary Critical Discourse Studies*, London: Bloomsbury.
- Jager, S. (2001), “Discourse and Knowledge: Theoretical and Methodological Aspects of a Critical Discourse and Dispositive Analysis”, In R. Wodak and M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis* (pp. 32–62), London: Sage.
- Kienpointner, M. (2013), “Strategic Maneuvering in the Political Rhetoric of Barack Obama,” *Journal of Language and Politics* 12(3): 357–377.
- Lu, L.W. (2008), “Ideological Influence on BUILDING Metaphors in Taiwanese Presidential Speeches,” *Discourse and Society* 19(3): 383–408.
- Maalej, Z. (2012), “The ‘Jasmine Revolt’ has Made the ‘Arab Spring’: A Critical Discourse Analysis of the Last Three Political Speeches of the Ousted President of Tunisia,” *Discourse Society* 23(6): 679–700.
- Mazid, B.M. (2007), “Presuppositions and Strategic Functions in Bush’s 20/9/2001 Speech: A Critical Discourse Analysis,” *Journal of Language and Politics* 6(3): 351–375.
- Mirhosseini, S.A. (2017), Discursive Double-Legitimation of (Avoiding) another War in Obama’s 2013 Address on Syria, *Journal of Language and Politics* 16(6). DOI:10.1075/jlp.16016.mir.
- Neagu, M. (2013), *Decoding Political Discourse: Conceptual Metaphors and Argumentation*, London: Palgrave Macmillan.
- Oddo, J. (2011), “War Legitimation Discourse: Representing ‘Us’ and ‘Them’ in Four US Presidential Addresses,” *Discourse and Society* 22(3): 287–314.

- Pujante, D. and Morales-Lopez, E. (2008), "A Political Action against Popular Opinion: Aznar's Final Speech before the Spanish Parliament Justifying the War in Iraq (December 2003)," *Journal of Language and Politics* 7(1): 71-96.
- Reyes-Rodriguez, A. (2008), "Discursive Strategies in Chavez's Political Discourse: Voicing, Distancing, and Shifting," *Critical Discourse Studies* 5(2): 133-152.
- Salama, A.H.Y. (2012), "The Rhetoric of Collocational, Intertextual and Institutional Pluralization in Obama's Cairo Speech: A Discourse-Analytical Approach," *Critical Discourse Studies* 9(3): 211-229.
- Schreier, M. (2012), *Qualitative Content Analysis in Practice*, London: Sage.
- Van Dijk, T.A. (2002), "Political Discourse and Political Cognition," In P. Chilton and C. Schaffner (Eds.), *Politics as Text and Talk: Analytical Approaches to Political Discourse* (pp. 204-236), Amsterdam: John Benjamins.
- -----, T.A. (2004), *Ideology and discourse analysis*. Oxford Symposium on Ideology, Retrieved from <http://www.discursos.org/unpublished%20articles/Ideology%20and%20discourse%20analysis.htm>
- -----, T.A. (2006), "Politics, Ideology and Discourse," In R. Wodak (Ed.), *Elsevier Encyclopedia of Language and Linguistics* (2nd ed.) (pp. 728-740), Oxford: Elsevier.
- -----, T.A. (2007), "Macro Contexts," In D.S. Lottgen and J.S. Sanchez (Eds.), *Discourse and International Relations* (pp. 3-26), Bern: Lang.
- -----, T.A. (2009), *Society and Discourse: How Social Contexts Influence Text and Talk*, Cambridge: Cambridge University Press.
- -----, T.A. (2012), "Discourse and Knowledge," In J.P. Gee and M. Handford (Eds.), *The Routledge Handbook of Discourse Analysis* (pp. 587-603), London: Routledge.

- -----, T.A. (2015), "Critical Discourse Analysis," In D. Tannen, H.E. Hamilton, and D. Schiffrin (Eds.), *The Handbook of Discourse Analysis* (2nd ed) (pp. 466–485), Oxford: Blackwell.
- -----, T.A. (2016), "Critical Discourse Studies: A Sociocognitive Approach", In R. Wodak and M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Studies* (3rd ed.) (pp. 62–85), London: Sage.
- Van Leeuwen, T. (2009), "Critical Discourse Analysis," In J.L. May (Ed.), *Concise Encyclopedia of Pragmatics* (2nd ed) (pp. 166–169), Oxford: Elsevier.
- Wodak, R. (2009), *The Discourse of Politics in Action: Politics as Usual*, Basingstoke, UK: Palgrave Macmillan.
- Wodak, R. (2012), "Politics as Usual: Investigating Political Discourse in Action," In J.P. Gee and M. Handford (Eds.), *The Routledge Handbook of Discourse Analysis* (pp. 525–540), New York: Routledge.
- Wodak, R. (2013), *Critical Discourse Analysis*, London: Sage.